

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جهان مرد



WWW.MANVAKETAB.IR

به کوشش: مسلم علی مهدی

انتشارات: شهید کاظمی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۵-۰۱۷-۳ | نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه | قیمت: ۱۵۰,۰۰۰ تومان

سرشناسه: علی مهدی، مسلم، ۱۳۶۰ - | عنوان و نام پدیدآور: جهان
مرد/به کوشش مسلم علی مهدی. | مشخصات نشر: قم: انتشارات شهید
کاظمی، ۱۴۰۰. | مشخصات ظاهری: ۲۷۸ ص.: مصور (رنگی)، عکس
(رنگی). | ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م. | شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۵-۰۱۷-۳ |
وضعیت فهرست نویسی: فیبا | موضوع: سلیمانی، قاسم، ۱۳۹۸-۱۳۳۵.
| موضوع: Solcimani, Qasem, ۱۹۵۶-۲۰۲۰ | موضوع: سرداران -- ایران
Generals -- Iran | رده بندی کنگره: DSR۱۶۶۸ | رده بندی دیویی:
۷۴۲۰۶۱۲ | شماره کتابشناسی ملی: ۰۸۴۴۰۹۲/۹۵۵

دفتر مرکزی نشر و پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه اول، فروشگاه ۱۳۱

شماره تماس: ۰۲۵-۳۷۸۴۰۸۴۴-۶

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۱۴۱۴۴۱ | www.manvaketab.ir

فهرست

صفحه

۵

فصل اول

سرباز بدون مرز



صفحه

۲۱

فصل دوم

جاذبه انقلاب



صفحه

۲۷

فصل سوم

میدانه میدان



صفحه

۵۷

فصل چهارم

امنیت بخش جنوب شرق



صفحه

۶۳

فصل پنجم

مجاهد خستگی ناپذیر



صفحه

۸۷

فصل ششم

سرباز جمهور





صفحه

۱۱۹

فصل هفتم

بامجاهدان افغان

سرمقاله

مردی که از فراسوی باور ما می‌آمد

هر جامعه‌ای اسطوره‌هایی دارد که با ارجاع به آن غرور پیدا می‌کند و هویتش را شکل می‌دهد، اسطوره‌هایی که بیشتر افسانه‌اند تا واقعیت! ولی ما در دورانی زیستیم که قهرمان‌مان را در کنارمان حس کردیم؛ قدرتش را دیدیم، ما هیچگاه در چشم او ترس را ندیدیم. ترس برای او معنا نداشت اما در تصمیماتش همیشه عقلانیت محوریت داشت. خستگی ناپذیر بود؛ مصداق همان حدیث که «هیچ بدنی در مقابل آنچه روح اراده آن را می‌کند ناتوان نیست». در تحلیل او هر کس از منظر خود بیانی دارد؛ یکی او را یک «رزمنده بزرگ» می‌نامد، یکی «استراتژیست برتر»؛ یکی می‌گوید او یک «دبلمات حرفه‌ای» بود، یکی او را «عارف روشن ضمیر» می‌خواند؛ «حاج قاسم» اما همه اینها بود و از همه اینها بالاتر بود؛ آنگونه که هیچ کدام از اینها نمی‌توانست حق بیان او را ادا کند.

حاج قاسم نه از آن جنس بود که سازشکارانه همه چیز را از دست دهد، نه آنگونه بود که به نام مقاومت در برابر حرکت جامعه بن بست ایجاد کند. او مقاومت را با تدبیر جلو می‌برد و با تدبیر نهضت‌های کوچک آزادی‌بخش را به یک جبهه بزرگ به نام مقاومت تبدیل کرد؛ جبهه‌ای که حالا یک ارتش بین‌المللی اسلامی دارد.

بارها در سخنرانی‌هایش گفته بود «جانم فدای ایران» است و این را به چشم نشان داده بود؛ خودش را «سرباز» می‌دانست؛ «سرباز جمهور». او در تکران اجتماعی وحدت ایجاد کرده بود و هر کس به نوعی خود را در او می‌دید؛ چون او «تجسم حقیقت» بود، بدو

ن کم و کاست! و همین حقیقت بود که ایران را یکپارچه عزادار کرد، حزنی همراه با حماسه؛ همانگونه که او همیشه می‌خواست باشد! حماسه‌ای که دیگر محدود به جغرافیای ایران نبود، حاج قاسم هم محدود به این جغرافیا نبود، همانطور که عراق و سوریه و لبنان و فلسطین و یمن و افغانستان و پاکستان هم حس کردند فرزندان را از دست داده‌اند، او به اندازه جغرافیای مقاومت گسترده شده بود و هر کسی که انسانیت برایش مهم بود، حاج قاسم برایش اسطوره شده بود.

حاج قاسم بزرگ بود، بزرگتر از آنکه بتوان در قالب یک نشریه آن را تصویر کرد اما «آب دریا را اگر نتوان کشید؛ هم به قدر تشنگی باید چشید» و این نشریه همان چشیدن است از آن دریای بی‌کران شجاعت، عقلانیت، عدالت، معرفت و انسانیت...



صفحه

۱۳۵

فصل هشتم

در اتاق عملیات ضاحیه



صفحه

۱۶۹

فصل نهم

عزیز شام



صفحه

۲۰۵

فصل دهم

یاور ملت عراق



صفحه

۲۳۵

فصل یازدهم

در حلقه رندان



صفحه

۲۵۳

فصل دوازدهم

یاران حاج قاسم



صفحه

۲۶۳

فصل سیزدهم

غرب آسیای نوین